

## در سوگ فرزانه‌ای ارجمند

کتابها تنها در زمینه علوم طبیعی که تخصص ایشان بوده است نیست، بلکه شامل رشته‌های بسیار متنوعی می‌شود مانند فلسفه، منطق، مسائل مذهبی و دینی، علوم اجتماعی، نجوم، پزشکی، ریاضیات، روانشناسی، علوم تربیتی و غیره.

ثانیاً جنبه عامه فهم بسیاری از این کتابها نیز بر مفید بودن آنها می‌افزاید. بسیاری از این کتابها به زبان ساده و عامه فهم نگاشته شده و می‌تواند

درشکه برایش بیاورند. استاد می‌گفت: «من گفتم علمی که لازمه‌اش فخر فروختن به دیگران است به درد من نمی‌خورد و از پزشک شدن چشم پوشیدم.» بدین سان استاد پزشکی را رها کرد و به آموزش و پرورش روی آورد. به گفته سعدی:

گفت آن گلیم خویش به در می‌برد ز موج  
وین سعی می‌کنند که رهاند غریق را  
استاد آرام از چند طریق به آموزش و پرورش

هموطنان خویش می‌پرداخت. نخست با تدریس مستقیم در دبیرستانهای شیراز، تهران و غیره. بسیاری از شخصیت‌های علم و ادبی این قرن از کلاسهای درس استاد بهره برده‌اند و افتخار شاگردی مستقیم ایشان را داشته‌اند. دوم از طریق انتشار کتابهای درسی، تا اوایل سلطنت رضا شاه کتابهای

دبیرستان وجود نداشت و دانش آموزان جزوه می‌نوشتند. استاد آرام برای نخستین بار با کمک دو نفر دیگر از دبیران، کتابهای علوم طبیعی برای سالهای اول تا سوم و بعد کلاسهای دیگر دبیرستان را تألیف و منتشر کرد و بدین سان کمک بزرگی برای تحصیل دانش آموزان انجام داد. نگارنده این سطور خود از کسانی است که از این کتابها بهره برده و از طریق آنها با نام استاد آشنا شده است.

سوم، و مهمتر از دو طریق پیش گفته، از راه ترجمه و تألیف بسیاری کتابهای سودمند. استاد آرام به زبانهای عربی، فرانسه و انگلیسی مسلط بود و چون دائماً مشغول مطالعه کتب مفید بود، کتابهایی را که به نظرش جالب و آموزنده می‌آمد، ترجمه می‌کرد و به انتشار آنها همت می‌گماشت. البته از تألیف کتب مفید نیز غافل نبود. جمعاً بیش از ۱۴۰ کتاب از او به یادگار مانده است. نکته مهم در تألیفات استاد اولاً چند جنبه بودن آنها است. این

در نخستین روزهای بهار، هنگامی که در گلستانها و مرغزارهای ایران زمین هزاران هزار گل‌های رنگارنگ می‌شکفتند و به پیرامون خویش شادی و زندگی می‌پراکنند، دست اجل یکی از زیباترین و عطرافشان‌ترین گل‌های فرهنگ، علم و ادب کشور ما را پژمرد، پر پر ساخت و فروفکند. استاد دانشمند احمد آرام که حدود هشتاد سال از عمر نود و چهارساله خود را صرف دریافت و پخش دانش و معرفت و آموزش و پرورش نسل‌های پی در پی از جوانان کشور ماکرده بود، درگذشت و دل‌های همه فرهنگ دوستان را داغدار ساخت.

استاد آرام مردی به تمام معنا فرهیخته و عاشق و شیفته دانش و فرهنگ، و آموختن به هر دو صورت آن، یعنی کسب علم و آموزش آن به دیگران بود. او نه در تحصیل دانش و نه در تعلیم آن جویای مال و مقام نبود، بلکه در هر دو مورد از نفس امر لذت می‌برد. دانش را برای جذب دانش و آموزش را برای فیضان علم و معرفت دوست می‌داشت. از این رو تا لحظه آخر عمر پربار خویش دست از این هر دو کار برنداشت و حتی در ایام کهولت و بیماری آن غافل از تحقیق، پژوهش و نگارش نبود.

استاد خود شرح می‌داد چگونه در اوان جوانی علمی را که برای کسب مال و جاه است رها کرد و دانشی را برگزیده است که هدفش لذت بردن از درک آن و بهره رساندن با آموزش آن بوده است. استاد می‌گفت که در سال آخر دانشکده پزشکی و در آستانه آزمون دکتری روزی با یکی دو تن از همدرسان خود مشغول تمرین درسها و آماده ساختن خود برای آزمون بوده‌اند. یکی از این همدرسان کار تزریق نیز انجام می‌داده است. در ضمن تمرین به او مراجعه می‌کنند که برای تزریق به بالین بیماری بستری در همان حوالی برود. او از آنها می‌خواهد که درشکه‌ای برایش بیاورند (در آن زمان تا کسی وجود نداشت) تا برود. استاد آرام به او پرخاش می‌کند که این فاصله چند صد قدم بیشتر نیست، درشکه برای چه می‌خواهی؟ دوستش می‌گوید شخصیت پزشک بودن ایجاب می‌کند که



نویسنده در کنار استاد احمد آرام چند ماه قبل از درگذشت آن روانشاد.

راه گشای مشکلات مردم باشد مانند دو جلد کتاب «راهنمای پزشکی خانواده».

استاد آرام در سالهای آخر زندگی پربار خود در صدد تألیف «دایره المعارف لغات و اصطلاحات پزشکی» برآمده و برگهای یادداشت انبوهی جهت تألیف آن فراهم آورده بود که متأسفانه فرصت تکمیل و انتشار آن را نیافت. زندگی و روش راهنمای جوانان این مرز و بوم و یادش همواره گرامی باد.

□ دکتر انور خامه‌ای

### توضیح:

به دلیل مسافرت نویسنده «کالبد شکافی رومان فارسی» چاپ آن در این شماره میسر نشد. ادامه این نقد ادبی را در شماره آینده مطالعه فرمائید.